

تأثیر استراتژی آمریکا بر تحولات کردستان عراق از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴

دکتر ابراهیم رومینا* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
محمدطاهر بیدار - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳

چکیده

استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ در مناطق ژئوپلیتیکی جهان تابع متغیرهای مختلفی است. این قدرت‌ها در تمام کره زمین به دنبال پایداری و حفظ برتری بوده و این روش را به واسطه ابزارهای مختلفی اعمال می‌نمایند. یکی از دلایل منابع و ریشه‌های پایداری قدرت‌های جهانی حضور و کنش آن‌ها در گستره جهانی و دخالت و تأثیرگذاری آن‌ها بر فرایندهای جهانی است. با پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده به عنوان قدرت تأثیرگذار جهانی مطرح شد. رقابت ایالات متحده با شوروی، شکل‌گیری بلوک‌های جهانی در دو مقیاس را در پی داشت. لذا دو قدرت شوروی و ایالات متحده به عنوان بازیگران جدید، استراتژی‌های ژئوپلیتیکی خود را پیگیری کردند. با خروج بریتانیا از شرق کانال سوئز در سال ۱۹۷۱، ایالات متحده بازیگر فعال در کنش‌های این بخش از جهان شد. کردستان به عنوان بخشی از این فضا، در بخش شمالی عراق تحت تأثیر جریان‌های قدرتی قرار گرفت. در این پژوهش تأثیرگذاری ایالات متحده و تداوم آن در دوره‌های بعد در ارتباط با کردستان شمال عراق مورد مطالعه قرار گرفته است. تا الگوی رفتاری یک قدرت بزرگ در یک منطقه ژئوپلیتیکی ویژه تحلیل گردد. از این رو پژوهش حاضر در تلاش است با روش تحلیلی و توصیفی به این سؤال پاسخ دهد: که استراتژی آمریکا چه تأثیراتی بر تحولات کردستان عراق از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴ داشته است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه آمریکا با کردستان عراق از الگوی بی‌طرفی یا مداخله محدود در دوره جنگ سرد تا الگوی تعاملی پس از پایان جنگ سرد پیروی کرده است. استراتژی آمریکا در وضعیت بی‌طرفی اثرات متفاوتی بر توسعه سیاسی، اقتصادی و نظامی کردها داشته و در دوره تعاملی توسعه سیاسی، نظامی و اقتصادی کردها را در پی داشته است. این الگوی تعاملی، مسیر توسعه تعاملات همه‌جانبه یک قدرت بزرگ را در جنوب غرب آسیا از یک فضای میکرو فراهم کرده است. به گونه‌ای که بستر نوعی خودگردانی با اختیارات گسترده در شمال عراق را به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، آمریکا، کردستان عراق.

۱- مقدمه

منطقه جنوب غرب آسیا بعد از جنگ جهانی دوم، محل رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد. مداخلات خارجی و تهاجم نظامی، درهم شکستن دولت‌های اقتدارگرا، خیزش نیروهای قومی و مذهبی، اهمیت یافتن دوباره مناسبات و ترتیبات قبیله‌ای قلیان خشونت و آرایش رقابت‌های منطقه‌ای حول نشانگان هویتی همگی نشان‌دهنده دورانی از حیات خاورمیانه است که بر بستر هویت قرار دارند (Kazemi, 2017: 147).

آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های دوران جنگ سرد بعد از خروج بریتانیا، شروع به اقداماتی در راستای حفظ هژمونی خود در این منطقه کرد. با پایان جنگ جهانی دوم و شروع رقابت‌های ژئواستراتژیک جهانی از سال ۱۹۴۵ به بعد، آمریکا به دنبال ایجاد کمربندی برای بازدارندگی در برابر شوروی بود. خروج بریتانیا از منطقه، بسترسازی کنشگری فعال ایالات متحده را فراهم کرد. در سال ۱۹۷۱ شوروی موفق شد توافقنامه‌ای با عراق امضاء کند. در آن زمان ایران نیز به دلایل مرزی با عراق دارای اختلافاتی بود. در این جهت آمریکا با پیشنهاد ایران برای فشار بر دولت مرکزی عراق، با کردهای عراق ارتباط برقرار کرد و تا سال ۱۹۷۵ به کمک‌های خود ادامه داد (Terrill, 2006: 2).

قبل از اینکه آمریکا با کردها ارتباط برقرار کند از سال ۱۹۶۸ ملا مصطفی بارزانی بارها از آمریکا درخواست کمک کرده بود، اما با پاسخ روشنی در این زمینه مواجه نشده بود. رابطه کردها از آن زمان با آمریکا دارای فراز و نشیب‌های بوده است و تأثیرات مهمی بر تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی این منطقه داشته است. از سال ۱۹۹۱ آمریکا دوباره برای فشار بر دولت مرکزی عراق از کردها حمایت کرد و بعد از حمله عراق به شمال عراق، آمریکا و هم‌پیمانانش از این منطقه حفاظت کردند و دوره جدیدی از روابط بین کردهای عراق و آمریکا شکل گرفت (Waller, 2010). از سال ۲۰۰۳ که آمریکا در چهارچوب جنگ علیه تروریسم به عراق وارد شد و به دلیل همراهی نکردن کشورهای منطقه از اهرم کرد برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد و کردها از فرصت به‌دست‌آمده برای توسعه آرمان‌های تاریخی خود استفاده کردند. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ رابطه کردها با آمریکا توسعه یافت. از سال ۲۰۱۴ با ظهور داعش و فقدان قدرتی

کارآمد در برابر آن‌ها، آمریکا در این چهارچوب رابطه خود با کردهای عراق را افزایش داد. هدف از این بیان تأثیر استراتژی آمریکا بر تحولات کردستان عراق از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴ است و اینکه آمریکا از چه استراتژی در رابطه با کردهای عراق استفاده کرده است.

از آنجا که روابط کردستان عراق با ایالات متحده در حال حاضر گسترده شده و این فضا دارای روابط ویژه‌ای با آمریکا است، مسئله این تحقیق این است که فرآیند شکل‌گیری روابط یک فضای جغرافیایی کوچک‌مقیاس که فاقد ساختار سیاسی رسمی تا ۲۰۰۳ و پس از آن تا سال ۲۰۱۴ با قدرت‌های بزرگ چگونه بوده است؟ این مسئله با توجه به ساختار ناحیه‌ای مورد تأیید ایالات متحده در عراق پس از حکومت بعث و آرمان کردی موردنظر کردها در ارتباط شکل‌گیری کردستان بزرگ، دچار تعارض و چالش است و روابط ایالات متحده با کشورهای منطقه که متأثر از کنش‌های آرمان‌خواهی هستند دچار چالش خواهد شد. از این رو تحلیل روابط این فضای کوچک‌مقیاس با ایالات متحده آمریکا ابعاد و چارچوب‌های متفاوتی را می‌طلبد و نتایج حاصل از بررسی کنش‌های ناحیه‌ای کردستان شمال عراق با ایالات متحده آمریکا می‌تواند راهگشای تحلیل‌های جریانات مشابه است. بر مبنای مسئله فوق، دو دوره مشخص در روابط شکل‌گرفته از هم قابل تفکیک هستند که در قالب فرضیات زیر مدنظر قرار گرفته است:

- از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴ رابطه آمریکا و کردستان عراق از دو الگوی بی‌طرفی یا مداخله محدود و مقطعی و تعاملی متناسب با کنش‌های منطقه‌ای ایالات متحده پیروی کرده است.
- استراتژی بی‌طرفی ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۱ باعث سرکوب کردها توسط حکومت عراق شد؛ از سال ۱۹۹۱ به بعد استراتژی تعاملی در رابطه با کردستان و ایجاد منطقه پرواز ممنوع کردستان عراق، توسعه سیاسی و اقتصادی و نظامی و در نهایت بر ایجاد حریم کردستان عراق پس از سقوط حکومت بعث تأثیرگذار بوده است.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی است. در بخش گردآوری از منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، مجلات و غیره در هر دو

بخش داخلی و خارجی استفاده شده است و همچنین جهت گردآوری داده‌های جدید در ارتباط با رابطه ایالات متحده با کردستان عراق به سایت‌های معتبر که حاوی اسناد و داده‌های کنش ایالات متحده با کردستان عراق است، مراجعه شده است. از آنجا که داده‌های مربوطه فراوان و گسترده بود، اطلاعاتی که متغیرهای تحقیق را مورد ارزیابی قرار می‌داد مورد استفاده قرار گرفت و در نهایت با روش کیفی تحلیل شد.

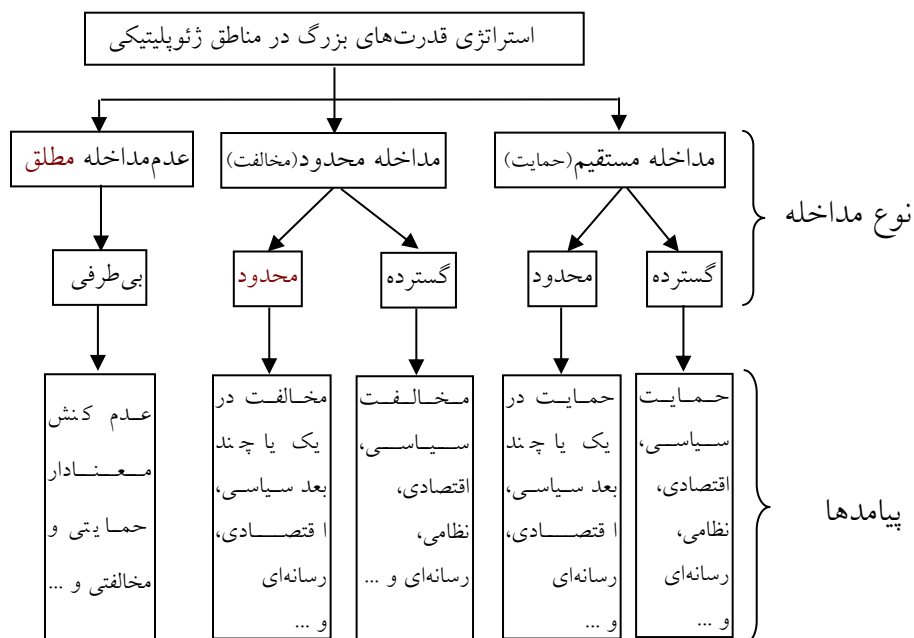
۳- چهارچوب نظری

قدرت‌های بزرگ در شرایط مختلف استراتژی گوناگونی را پیروی می‌کنند. استراتژی قدرت‌های بزرگ هم در سطح جهانی شکل می‌گیرد و هم در سطح منطقه‌ای. این به مفهوم هماهنگی با سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی است (Motaghi, 2008: 10). استراتژی قدرت‌های بزرگ در مناطق ژئوپلیتیکی کنترل بحران و تثبیت موقعیت به نفع خود است. بین قطب‌بندی ساختاری با مقولاتی همانند جنگ، ثبات و توسعه بحران در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی رابطه معناداری وجود دارد. نظریه پردازان ساختاری سیاست بین‌الملل تلاش نموده‌اند چنین روابطی را بر اساس هزینه‌ها و نتایج ناشی از ظهور و کنترل بحران مورد بررسی قرار دهند؛ اما برای نیل به چنین فرایندی نیازمند ابزارهای خاصی هستند. بازیگران قدرتمند به این دلیل در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای دارای نقش تأثیرگذار می‌باشند که از ابزارهای متنوع‌تری برخوردارند. همچنین آنان تلاش می‌کنند تا از ابزارهای خود به گونه‌ای استفاده کنند که مخاطرات امنیتی محدودتری را به وجود آورد (Mosallanejad, 2012: 55) از این رو قدرت‌های بزرگ با توجه به شرایط زمان استراتژی مناسب را برای رسیدن به اهداف خود طراحی می‌کنند. قدرت‌های بزرگ در منازعات منطقه‌ای و جهانی وارد می‌شوند تا بتوانند منافع خود را تثبیت کنند. اما برای درک استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ در منازعات، نخست باید مفهوم منازعات بیان شود. منازعات به واسطه نیازهای همگانی و ترس‌ها شکل می‌گیرند و به دلیل برآوردهای عقلانی و منافع ملی مورد توجه هستند (Doucey, 2001: 3). رفتاری که به منازعات سازمان‌یافته منجر می‌شود، ریشه در پیوندی خاص میان طرف‌ها، مواضع ناسازگار آن‌ها در خصوص یک مسئله، کنش‌های خصمانه

طرف‌ها و برخی از انواع اقدامات دیپلماتیک و نظامی دارد. طرف‌های یک اختلاف بین‌المللی عموماً، البته نه لزوماً، دولت‌ها می‌باشند. طرف‌ها می‌کوشند به برخی از اهداف مانند سرزمین گسترده‌تر یا امن‌تر، امنیت، جمعیت، دسترسی به بازار، تشکیل اتحاد، کسب حیثیت و اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی، سرنگون کردن حکومت دشمن و اهداف دیگری از این قبیل نائل آیند اما در تلاش برای دستیابی به این اهداف و یا دفاع از آن‌ها، خواست‌ها، اقدامات و یا هر دو در تعارض با منافع و اهداف طرف‌های دیگر قرار می‌گیرند. در عصر جدید، موضوعاتی که موجب اختلاف می‌گردند در زمینه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و قومی گسترده شده و موضوعاتی همانند سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، حقوق بشر و تروریسم نیز بر آن‌ها افزوده شده است. اختلاف در موضوعات مطروحه به این دلیل بروز می‌نماید که قدرت‌ها و دولت‌ها در ارتباط با این موضوعات برای خود منافع ملی، منطقه‌ای یا جهانی قائل‌اند و در صورتی که شرایط مغایر خواست و منافع در نظر گرفته شده پیش رود، زمینه بروز اختلاف فراهم می‌گردد. از آنجا که بحران‌ها یک یا چند عامل و عناصر بنیادی روابط بین بازیگران صحنه سیاست بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند، قادرند دگرگونی‌های عمده‌ای در سیستم بین‌المللی به وجود آورند. شدت و ضعف این دگرگونی‌ها بستگی به عوامل تشدیدکننده یا عناصر کاهنده بحران و فن‌های موجود برای مدیریت و بالآخره مهار بحران‌ها دارد؛ پس نمی‌توان به‌طور درستی ادعا کرد که یک بحران سیستمی، حتماً باعث دگرگونی اوضاع خواهد شد (Zahed & Soltanifa, 2009: 14).

ابزارهای کنترل منازعه در منازعات ماهیت متنوع و نسبتاً فراگیری دارد. از جمله این ابزارها می‌توان به دیپلماسی، اعمال فشار امنیتی، تحریم و محدودیت‌های اقتصادی و کنترل منازعات نظامی اشاره داشت. هر یک از ابزارهای فوق می‌تواند بخشی از رفتار امنیتی قدرت‌های بزرگ را سازمان‌دهی نماید (Mosallanejad, 2012: 55). به‌طور کلی استراتژی قدرت‌های بزرگ را در فضاهای جغرافیایی می‌توان در شکل شماره ۱ تبیین کرد.

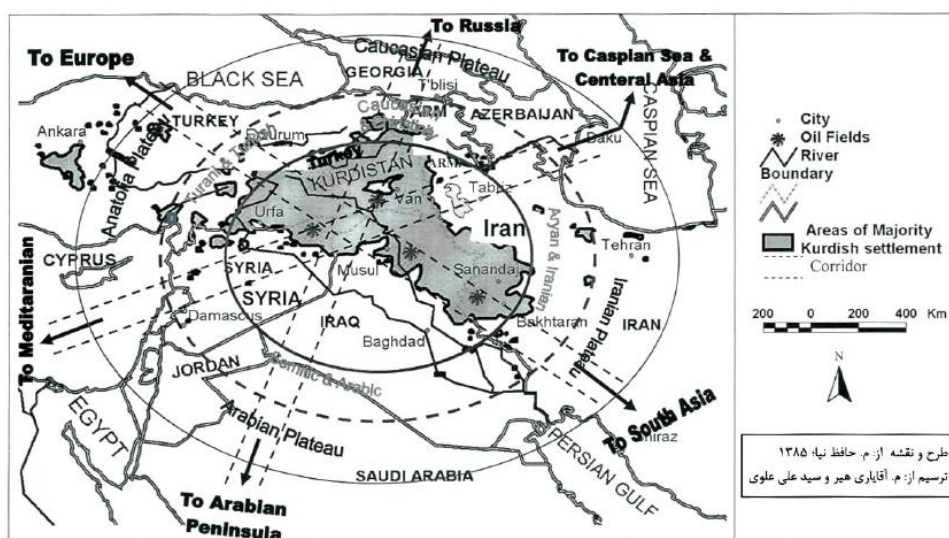
شکل شماره ۱: الگوی کنش‌های قدرت‌های بزرگ در مناطق ژئوپلیتیک جهان



۴- محیط‌شناسی

کردستان بخشی از جنوب غرب آسیا است که کردها به‌عنوان یک قوم از گذشته تاکنون در آن سکونت داشتند (Kaya, 2012: 98). کردستان بین چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق تقسیم شده است. محدوده سکونت کردها از طرف شمال به رودخانه ارس در شرق ترکیه و در طول مرز ایران و شوروی سابق، در غرب کارا سو و رودخانه فرات در ترکیه و عراق، در جنوب تا خط خانقین - موصل - کرکوک و در شرق تا همدان تا دریاچه ارومیه و ماکو، کرمانشاه و ایلام و استان کردستان گسترش یافته است (Celik, 2008: 3).

شکل شماره ۱: موقعیت کردها در منطقه ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا



Source: (Hafeznia, 2006: 13)

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- الگوی مداخله محدود و مقطعی (۱۹۷۱ تا ۱۹۹۱)

اگرچه دولت مرکزی عراق در این دوره از تمرکز سیاسی بالایی برخوردار بود، لیکن بخش شمالی این کشور تحت تأثیر جریان‌های آرمان‌خواهی یک قرن گذشته فعال بود و هویت محلی خود را در مقابل هویت ملی تعریف کرده بود. در این شرایط متوسل شدن به قدرت‌های فراملی امری مرسوم است که هویت‌های محلی در پیش می‌گیرند (Karimi & Gholami, 2007: 177). رابطه سیاسی کردهای عراق با آمریکا به دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد. در آن زمان برای مدت طولانی اتحاد جماهیر شوروی از کردها به‌طور پنهانی حمایت می‌کرد اما با امضاء قرارداد ۱۵ ساله بین بغداد و مسکو، کردها از شوروی ناامید شدند؛ در نتیجه کردها از آمریکا برای ادامه نبرد خود درخواست کمک کردند (Yavuz, 1993: 40-41). آمریکا به درخواست کردها جواب مثبت داد و آن‌هم به چهار دلیل بود:

- استفاده از آن‌ها در برابر نفوذ شوروی در عراق؛
 - حفظ امنیت اسرائیل در برابر تهدیدات عراق؛
 - نفت و ورود کردها به اوپک برای حفظ منافع آمریکا با رسیدن به استقلال؛
 - به دلیل هم‌پیمانی با شاه ایران و اثرگذاری خواست ایران کمک به کردها.
- در نتیجه پیوندی سیاسی برقرار شد کردها توانستند موفقیت چشمگیری را کسب کنند و همچنین آمریکا در مدت یک سال به هدف خود برسد، همان‌گونه که کسینجر بیان می‌کند:
- سودمندی کارت کرد نیکسون در یک سال خود را نشان داد و عراق نتوانست وارد جنگ با اسرائیل در طول جنگ ۱۹۷۳ بشود (Kissinger, 1979: 1265).
- در یکی از اسناد وزارت خارجه آمریکا به شماره ۲۳۹ به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۳ در بند ۳ تحت عنوان «گزینه‌های احتمالی فشار» آمده است: «باید حمایت از کردها برای انجام اقدامات نظامی برای ضربه زدن به دولت مرکزی عراق آغاز شود. ملا مصطفی بارزانی رئیس حزب دموکرات کردستان عراق قول داده است در صورت حمایت ما از آن‌ها در برابر رژیم بعث عراق اقداماتی را انجام خواهند داد و در ادامه بیان می‌کند که ایرانی‌ها در این باره بسیار محتاطانه عمل می‌کنند که کمک آمریکا به کردها تنها در حد فشار بر دولت مرکزی عراق باشد و نه بیشتر، چون می‌ترسند در آینده برای ایران و ترکیه مشکل‌ساز شود که خود این کشورها دارای جمعیت کرد زبان هستند» (National Intelligence Estimate, 1960).
- سرنوشت کردهای عراق در این دوره در برابر صدام حسین به آمریکائی‌ها و ایرانی‌ها واگذار شد و در سال ۱۹۷۵ کردها ابزاری جهت حل منازعات بین این کشورها شدند. ایران در پی کسب امتیازاتی از عراق مانند کنترل آبراهه شط العرب بود. زمانی که شاه ایران و صدام توافق‌نامه الجزایر را در سال ۱۹۷۵ امضاء کردند، حمایت ایرانی‌ها از کردها به پایان رسید که این خود باعث پایان شورش کردها در عراق شد.
- در یکی از اسناد که رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به هنری کسینجر می‌فرستد همکاری خود با کردهای عراق به درخواست ایران را بیان می‌کند:
- موضوع: توقف برنامه کمک به کردها

این نامه برای تأیید توقف برنامه کمک به کردها است. همان‌گونه که مستحضرید برنامه کمک به کردها به درخواست شاه ایران بود و همه اقدامات کمکی ما به کردها از طریق ایرانی‌ها کنسل شد. از این‌رو شاه ایران همه هم‌پیمانی نظامی و مالی با کردها در عراق بعد از توافق‌نامه الجزایر در ۶ مارس ۱۹۷۵ متوقف کرده است. در نتیجه جنبش کردها فروپاشیده است و رهبران آن‌ها به ایران فراری شدند (W.E. Colby, 1975).

پس از توافق الجزایر، بارزانی و بسیاری از حامیان وی عراق را ترک نموده و به ایران تبعید شدند. بارزانی تصور می‌کرد که ایالات متحده از کردها برای رسیدن به حداقل آزادی حمایت خواهد کرد (Fuller & Barkey, 1998). با آغاز جنگ ایران و عراق، کردهای عراق بار دیگر مبارزات خود را علیه دولت مرکزی عراق از سر گرفتند. در سپتامبر ۱۹۸۰ عراق به ایران حمله کرد (Gunter, 2011: 13).

آمریکا در دوره ۸ سال جنگ ایران و عراق، به دلیل ترس از افزایش نفوذ ایران در منطقه، اقدامات و سرکوب شدید کردها توسط حکومت مرکزی عراق را نادیده گرفت. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق و حمله عراق به کویت شرایط دگرگون شد و آمریکا شروع به همکاری با کردهای عراق برای وارد نمودن فشار بر حکومت بعث عراق کرد. کردها با هماهنگی آمریکا علیه عراق چالش‌سازی کردند. با عقب رانده شدن عراق از کویت، حکومت این کشور شروع به حمله گسترده‌ای به شمال عراق کرد. در این دوره، آمریکا از آن‌ها در مقابل حملات حکومت مرکزی کمکی نکرد. شکست کامل حکومت بعث عراق خلأ قدرت ایجاد می‌کرد و در نتیجه باعث افزایش بی‌ثباتی در خاورمیانه می‌شد (Lewis, 2008: 47). در این دوره، آمریکا از شورش شیعیان در عراق که رابطه‌ای نزدیک با دولت ایران داشتند می‌ترسید (Johns, 2006). آمریکا نخست تمایلی به دخالت برای متوقف کردن دولت عراق برای سرکوب کردها نداشت.

۲-۵- الگوی تعاملی (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴)

در آوریل ۱۹۹۱، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۶۸۸ که در آن عراق به‌عنوان سرکوبگر شهروندان خود معرفی شد محکوم کرد، ساکنان مناطق کردنشین شامل این بخش بودند. بر مبنای

این قطعنامه یک منطقه پرواز ممنوع در شمال و جنوب عراق ایجاد شد. مناطق پرواز ممنوع در سمت شمال از مدار ۳۶ و در جنوب در مدار ۳۲ تعیین شد. در شمال، استان‌های سلیمانیه، اربیل و دهوک شامل منطقه پرواز ممنوع شد. اولین مرحله از این عملیات تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱ به طول انجامید. مرحله دوم عملیات که شامل حفاظت دائمی از اقلیم کردستان می‌شد، در این زمان مدنظر قرار گرفت. این عملیات، باهدف مستقیم حفاظت از جمعیت کرد و اسکان مجدد پناهندگان کرد و خروج ارتش عراق از منطقه بود (Voller, 2012: 139-140). منطقه پرواز ممنوع تأثیر زیادی در فرآیند خودمختاری کردها در شمال عراق داشت که برای اولین بار از سوی یک قدرت جهانی در یک منطقه اعمال می‌شد (Benard, 2004: 454).

در دولت کلینتون و جورج بوش پسر، سیاست شفاف‌تری در مورد کردها در رابطه با حکومت مرکزی عراق اتخاذ شد. به‌عنوان نمونه می‌توان به نمونه‌هایی همچون حمله بمب‌افکن‌های آمریکا در حمله به سلیمانیه و اربیل، حمایت از کردها در برابر گروه‌های جهادی در سال ۲۰۰۳، تثبیت خودمختاری کردها در قانون اساسی عراق و حمایت سیاسی و نظامی توسط دولت‌مردان آمریکایی اشاره کرد. با ورود اوباما به کاخ سفید، رابطه کردها با ایالات متحده کاهش یافت.

در این دوره آمریکا از این نگران بود که تقویت کردهای شمال عراق، منجر به استقلال آنها شود که در این صورت نفوذ ایران بر جنوب و مرکز عراق افزایش خواهد یافت. در نتیجه آمریکا برای حفظ منافع خود در عراق، از بیشتر خواست‌های کردها حمایت نمی‌کرد. با حمله داعش به عراق و توسعه قلمروی آن و عملکرد ضعیف دولت مرکزی عراق باعث تغییر استراتژی ایالات متحده نسبت به عراق شد. آمریکا که به دنبال نیروی کارآمد برای مقابله داعش بود، این نیرو صرفاً در کردهای عراق بود. از سوی دیگر کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا از سال ۲۰۱۴ به کردها افزایش یافت این مسئله دولت مرکزی عراق را نگران نموده و آن را به‌عنوان استراتژی کردها عراق می‌داند (Malas and Parkinson, 2014). پیامدهای توسعه روابط ایالات متحده با کردستان شمال عراق به شرح زیر است:

۱-۲-۵- توسعه روابط سیاسی

رابطه سیاسی کردها و آمریکا بعد از اتمام جنگ عراق و ایران و حمله عراق به کویت دگرگون شد و با ایجاد منطقه پرواز ممنوع و استراتژی حفظ توازن مستحکم تر شد؛ دوره بین ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۱، دوره تکامل روابط سیاسی بین کردستان عراق و آمریکا بود. در این دوره به صراحت مقامات آمریکایی از حمایت همه جانبه از کردها خواهند پرداخت (Gunter, 2011: 98-10). در سفری که رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا در سال ۲۰۰۹ به اربیل داشت در ملاقات با مسعود بارزانی اعلام کرد:

«ما نگرانی شما درباره آینده ملت خود را درک می کنیم و به شما برای استقرار یک عراق در صلح و موفقیت کمک خواهیم کرد و ما شما را تنها نخواهیم گذاشت.» (U.S. Department of Defiance, 2009).

از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ مقامات ارشد آمریکا با رئیس اقلیم کردستان عراق دیدار نموده که نشان از توسعه همکاری سیاسی بوده است. در جدول شماره ۱ مهم ترین دیدارها آورده شده است:

جدول شماره ۱: مهم‌ترین دیدارهای مقامات آمریکا با رئیس اقلیم کردستان عراق

منابع	مقامات	سال
http://georgewbushwhitehouse.archives.gov/news/releases/2005/10/20051025-7.html http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2008/10/20081029-3.html	جورج بوش با مسعود بارزانی در واشنگتن	۲۰۰۸-۲۰۰۵
http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2008/03/20080318-1.html	دیک چینی با مسعود بارزانی در اربیل	۲۰۰۸
http://ekurd.net/mismas/articles/misc2012/4/state6066.htm http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2015/05/kurds-obama-barzani-iraqi-isil-150512051306148.html	اوباما با مسعود بارزانی در واشنگتن	۲۰۱۲
http://www.gettyimages.com/detail/news-photo/secretary-of-state-hillary-clinton-makes-remarks-with-iraqi-news-photo/96193243 https://still4hill.com/2012/04/04/secretary-hillary-rodham-clinton-public-schedule-for-april-4-2012/	هیلاری کلینتون در واشنگتن	۲۰۱۲-۲۰۱۰
http://cabinet.gov.krd/a/d.aspx?l=12&s=02010100&r=223&a=31541&s=010000 http://www.iraqnews.com/baghdad-politics/biden-in-erbil-to-meet-barzani/ https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2015/05/06/readout-vice-president-bidens-meeting-iraqi-kurdistan-regional-president	جو بایدن با مسعود بارزانی در اربیل و واشنگتن	۲۰۱۱-۲۰۰۹
http://ekurd.net/mismas/articles/misc2014/6/state8131.htm http://rudaw.net/english/kurdistan/050220151	جان کری با مسعود بارزانی در اربیل	۲۰۱۴
http://www.gettyimages.ie/detail/news-photo/secretary-of-state-condoleezza-rice-meets-kurdish-leader-news-photo/52831525 http://2001-2009.state.gov/r/pa/ei/pix/2006/73694.htm	رایس با مسعود بارزانی در اربیل و واشنگتن	۲۰۰۶-۲۰۰۵
http://www.gettyimages.ie/detail/news-photo/secretary-of-state-condoleezza-rice-meets-kurdish-leader-news-photo/52831525	رابرت گیتس با مسعود بارزانی در اربیل	۲۰۱۱

حمله داعش به اربیل با واکنش دولت اوباما همراه بود. وی بعد از یک هفته از حمله داعش با خبرنگار نیویورک تایمز (توماس فریدمان) بیان کرد:

«زمانی که شما شرایط ویژه‌ای از احتمال خطر نسل‌کشی قرار دارید و آن کشور راغب به حضور ما در آنجا است و شما یک اتفاق نظر قوی بین‌المللی دارید که مردم نیاز به حفاظت دارند و ما توانایی برای انجام آن را داریم پس ما یک تعهد برای انجام آن را داریم. در ادامه اوباما در مورد سیاست کشورش در قبال کردها بیان می‌کند: اما کردها شایستگی خوبی از خود نشان

دادند (منظور اوباما شایستگی کردها در اداره منطقه خود از سال ۲۰۰۳ هست) و ما مجبور به پرسش از آنها شدیم نه تنها در عقب‌رانی داعش بلکه چگونه این منطقه را از دگرگونی‌های سریع عراق حفظ کنیم این همیشه در ذهن من بوده است. در ادامه بیان می‌کند منطقه کردستان عملکردی خوبی دارد که ما مایل به دیدن آن هستیم و آن شکیبایی است که بین ادیان این منطقه وجود دارد و این اهمیت دارد که از این منطقه حمایت کنیم» (Friedman, 2014).

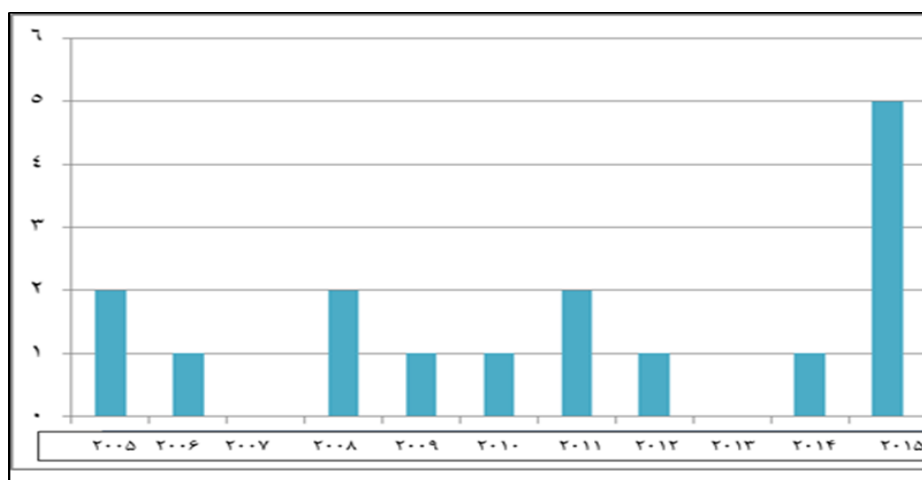
بعد از سال ۲۰۰۳ با تشکیل حکومت فدرال تحت تأثیر استراتژی‌های آمریکا، کردستان عراق توانست روابط دیپلماتیک خوبی با بیشتر کشورهای جهان برقرار کند و در حال حاضر ۳۱ کشور دارای کنسولگری در کردستان عراق هستند.

جدول شماره ۲: کنسولگرهای خارجی در اقلیم کردستان عراق

ردیف	کشور	سال افتتاح	ردیف	کشور	سال افتتاح
۱	ایران	۱۹۸۸	۱۷	اردن	۲۰۱۱
۲	کره	۲۰۰۴	۱۸	ایتالیا	۲۰۱۱
۳	بلغارستان	۲۰۰۴	۱۹	بلاروس	۲۰۱۱
۴	چک	۲۰۰۶	۲۰	فنلاند	۲۰۱۲
۵	استرالیا	۲۰۰۶	۲۱	هلند	۲۰۱۲
۶	اسپانیا	۲۰۰۶	۲۲	سوئد	۲۰۱۲
۷	آمریکا	۲۰۰۷	۲۳	رومانی	۲۰۱۲
۸	انگلستان	۲۰۰۷	۲۴	امارات	۲۰۱۲
۹	روسیه	۲۰۰۷	۲۵	لهستان	۲۰۱۲
۱۰	ژاپن	۲۰۰۸	۲۶	اسلواکی	۲۰۱۲
۱۱	فرانسه	۲۰۰۹	۲۷	برزیل	۲۰۱۳
۱۲	آلمان	۲۰۰۹	۲۸	چین	۲۰۱۴
۱۳	دانمارک	۲۰۰۹	۲۹	مجارستان	۲۰۱۴
۱۴	ترکیه	۲۰۱۰	۳۰	کویت	۲۰۱۵
۱۵	مصر	۲۰۱۰	۳۱	برزیل	۲۰۱۳
۱۶	فلسطین	۲۰۱۱			

Source: (<http://dfr.gov.krd/p/p.aspx?p=37>)

نمودار شماره ۱: روند دیدارهای رسمی رئیس اقلیم کردستان عراق با مقامات آمریکایی



۲-۲-۵- توسعه روابط اقتصادی

مهم‌ترین رابطه اقتصادی کردها با آمریکا در ارتباط با نفت است. فعالیت شرکت‌ها آمریکایی برای استخراج نفت باعث توسعه زیربنای اقتصادی کردستان شده است و به دلیل تأثیر استقلال سیاسی بر تصمیمات سیاسی در آینده سیاسی این منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است.

شهرهای موصل، کرکوک و مناطق اطراف آن غنی از منابع نفت هستند. این منطقه، منطقه مشاجره بین کردها و حکومت فعلی عراق است (Lewis, 2008: 65).

یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی اکسان موبیل ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱ با حکومت محلی کردستان عراق درباره بهره‌برداری از ۶ حوزه نفتی باشیک، القوش، عربت شرقی، پیرمام، بتواتا و قره انجیر قرارداد امضاء کرد. حضور فعال اکسان موبیل آمریکا در منطقه کردستان عراق نتایج بسیار مهمی بر سرنوشت آینده حکومت محلی شمال عراق، قانون اساسی عراق، اقدامات سایر کشورهای نفتی، نقش ترکیه در شمال عراق خواهد داشت (Ghaemmaghani, 2013).

با ورود شرکت‌های آمریکایی، بخش نفت کردستان عراق که مهم‌ترین بخش اقتصادی این منطقه است، توسعه قابل توجهی یافته و راه را برای دیگر شرکت‌های دیگر کشورها برای کار در این منطقه فراهم کرده است.

۳-۲-۵- توسعه روابط نظامی

با شروع عملیات ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ علیه عراق، کردها یکی از نیروهای مهم و تأثیرگذار در تحولات عراق شدند. از زمان حمله داعش به عراق، اوج همکاری کردها با ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است؛ از این رو، آمریکا بخشی از بودجه نظامی خود برای تجهیز کردهای عراق اختصاص داد.

- همکاری کردها و آمریکا را می‌توان از سال ۱۹۷۱ تا به امروز در موارد زیر خلاصه نمود:
- برهم خوردن توافق ملا مصطفی بارزانی و حکومت مرکزی عراق در سال ۱۹۷۱ و آغاز همکاری نظامی آمریکا و کردها؛
- قطع همکاری نظامی آمریکا از کردهای عراق به درخواست ایران (۱۹۷۵)؛
- همکاری کردهای عراق به آمریکا در جنگ کویت برای فشار بر روی دولت مرکزی عراق (۱۹۷۱)؛
- ایجاد منطقه پرواز ممنوع به وسیله آمریکا، بریتانیا و فرانسه در سال ۱۹۹۱؛
- ایجاد هم‌پیمانی نظامی بین کردها و گروه‌های مخالف عراقی با آمریکا برای هرگونه اقدام نظامی؛
- رد همکاری ترکیه در اشغال عراق و انتخاب کردها در سیاست نظامی آمریکا به جای ترکیه (۲۰۰۳)؛
- حمله آمریکا به عراق و اشغال شمال عراق توسط کردها با همکاری آمریکا به ویژه شهر استراتژیک کرکوک (۲۰۰۳)؛
- همکاری هم‌پیمانان از جمله آمریکا و بریتانیا با کردهای برای حذف گروه‌های اسلامی وابسته به القاعده به ویژه حزب انصار اسلام در منطقه اورامان در سال ۲۰۰۳ با تصویب قطعنامه از سوی شورای امنیت (BBC News, 2016).
- یکی از پیامدهای حمله داعش به اقلیم کردستان عراق افزایش سطح کمک نظامی آمریکا به کردستان عراق شد که با نگرانی شدید دولت مرکزی عراق روبه‌رو شد. با توجه به رویدادهای سال ۲۰۱۴ آمریکا همکاری‌های نظامی خود را افزایش داد؛ پس از این مسئله، اربیل به‌عنوان

پایگاه اطلاعاتی و نظامی آمریکا قرار گرفت و ناتو اقدام به تأسیس پادگان نظامی در جنوب هریر در نزدیکی اربیل نمود (Nouralivand, 2015).

آمریکا بعد از حمله داعش به طور بی سابقه‌ای کمک‌های نظامی خود را افزایش داد. مجموع کمک‌های آمریکا در سال ۲۰۱۴ به کردستان عراق به شرح زیر است:

- آموزش نظامی به ارزش ۳۵۰ میلیون دلار؛
- حمایت هوایی به ارزش ۱۵ میلیون دلار؛
- ۱۰۰۰ موشک ضد تانک؛
- ۴۰ کامیون نظامی برای جابه‌جایی نیرو؛
- حمایت هوایی هم‌پیمانان تحت ائتلاف بین‌المللی.

۶- تجزیه و تحلیل

استراتژی آمریکا در ارتباط با کردهای عراق، مورد توجه کردها و کشورهای منطقه‌ای و حتی جهان بوده است. از سال ۱۹۷۰ به بعد که نقطه آغازگر همکاری نظامی و سیاسی کردها با آمریکا بود، این مسئله را مطرح می‌کرد که این همکاری تا چه حدی و در چه چارچوبی صورت گرفته و تداوم یافته است. کردها به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و همچنین واکنش همسایگان آنها، ناگزیر به یافتن یک متحد استراتژیک در خارج از منطقه بوده‌اند. از ۱۹۴۵ کردها همیشه در یکی از بلوک قرار گرفتند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ در بلوک شرق و از سال ۱۹۷۰ تا به امروز در بلوک غرب قرار گرفتند.

روابط ایالات متحده با کردستان شمال عراق از ۱۹۷۱ تا پایان دوره مطالعه این پژوهش، دارای دو دوره قابل تفکیک به شرح زیر است:

دوره اول: در این دوره کنش‌های ایالات متحده با کردستان شمال عراق از یک الگوی مداخله محدود و مقطعی برخوردار بوده است. با تصمیم بریتانیا مبنی بر خروج این کشور از شرق کانال سوئز از ۱۹۷۱ م، ایالات متحده به‌عنوان قدرت جایگزین مطرح شد. روابط کردها با ایالات متحده در این دوره تابع ملاحظات متعددی به شرح زیر بود:

- ملاحظات منطقه‌ای به‌ویژه در ارتباط با کشورهای ایران، ترکیه و کشورهای عربی؛
 - روابط بخشی از کردهای شمال عراق با اتحاد جماهیر شوروی؛
 - حکومت بعث و تشدید رفتارهای چالشی و منازعه آمیز آن؛
 - تمرکز ایالات متحده به دیگر حوزه‌های ژئوپلیتیکی؛
 - جنگ‌های منطقه‌ای ایران و عراق.
- با توجه به مسائل فوق، کنش‌های ایالات متحده با کردهای شمال عراق از یک الگوی گسترده برخوردار نبود. این دوره با تهاجم عراق به کویت بود تداوم داشت.
- دوره دوم:** در این دوره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و جهانی روابط کردهای وارد فاز جدیدی شد و با گذشت زمان بر گسترش روابط قدرت جهانی با کردستان شمال عراق افزود. مجموعه تحولاتی که بر این فرایند تأثیرگذار بود عبارت بودند از:
- تهاجم عراق به کویت؛
 - حمله ایالات متحده و متحدان آن به کویت و عراق (جنگ طوفان صحرا)؛
 - پایان جنگ سرد؛
 - تمرکز ژئوپلیتیکی ایالات متحده بر جنوب غرب آسیا؛
 - منطقه پرواز ممنوع؛
 - حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛
 - حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در ۲۰۰۳؛
 - دولت اسلامی عراق و شام (داعش).
- تحت تأثیر این شرایط، روابط کردستان عراق با ایالات متحده آمریکا در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی گسترش یافت.

۷- نتیجه‌گیری

آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی در دوران جنگ سرد و بعد از آن، با توجه به قدرت تأثیرگذاری مورد توجه نیروهای غیردولتی که دارای آرمان‌های محلی و منطقه‌ای هستند بوده است. کردهای

جنوب غرب آسیا برای رسیدن به آرمان کردی در یک صد سال اخیر متکی بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده‌اند و در این مسیر هزینه‌هایی را نیز متحمل شده‌اند. با قدرت‌گیری ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، آرمانگرایان کرد به سوی خود جلب کرد و با گذشت زمان روابط کردها و ایالات متحده گسترده‌تر شد. لیکن در این دوره ایالات متحده آمریکا، ملاحظات کشورهای منطقه را مدنظر قرار می‌داد و بیشتر به دنبال کسب رضایت دولت‌های مرکزی بود و در چهارچوب استراتژی بی‌طرفی رفتارهای خود را چارچوب‌بندی می‌نمود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خاستگاه آرمان کردی پس از جنگ جهانی دوم در کردستان شمال عراق متمرکز شد و این آرمان‌گرایی در مقابل تمرکزگرایی حکومت مرکزی عراق بود، لذا بیشترین فشار در بین سیستم‌های منطقه، از سوی حکومت مرکزی عراق علیه کردها صورت گرفت. از سال ۱۹۹۱ و با تغییر ساختار سیاسی جهان، استراتژی آمریکا در حمایت از کردهای شمال عراق وارد مرحله جدیدی شد. در چهارچوب این استراتژی کردهای عراق توانستند از اختیارات نسبی جهت کنترل فضای سکونتگاهی در شمال عراق برخوردار شوند. و با سقوط حکومت بعث عراق در سال ۲۰۰۳، کردهای عراق با حمایت آمریکا یک منطقه فدرال تشکیل دهند. با شکل‌گیری داعش در منطقه، کردها توانسته‌اند از حمایت ویژه ایالات متحده برخوردار شوند. از نظر سیاسی کردها توانسته‌اند تحت تأثیر استراتژی آمریکا، روابط دیپلمات خود را توسعه داده و با دنیای خارج به‌طور مستقل ارتباط داشته باشند.

مجموعه تحولات شکل‌گرفته در شمال عراق نشان می‌دهد آرمان‌گرایی محلی با اتکا به یک نیروی فرامنطقه‌ای در طی چند دهه توانسته است به صورت نسبی به خواسته‌های خود نائل گردد و درجه موفقیت این آرمان‌گرایی تابع تحولات آینده منطقه، سطح تحمل کشورهای دارای جمعیت کرد در مناطق هم‌جوار عراق و نوع کنش‌های کردها و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد داشت.

۸- قدرت‌دانی

نویسندگان مقاله حاضر از حمایت‌های دانشگاه تربیت مدرس جهت فراهم آوردن شرایط لازم برای انجام این پژوهش تشکر می‌نمایند.

References

1. BBC News. (2015). Iraqi Kurdistan profile – timeline, <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-15467672>.
2. Benard, Alexander. (2004). Lessons from Iraq and Bosnia on the Theory and Practice of No-fly Zones. *The Journal of Strategic Studies*, Vol.27, No.3, September 2004, pp.454. DOI: 10.1080/1362369042000282985.
3. Celikm, Banu. (2008). Turkish-Kurdish Conflict: An Ethno-Symbolist energy-player.
4. Colby, W.E. (1975). Memorandum from Director of Central Intelligence Colby to the President's Assistant for National Security Affairs (Kissinger), Foreign Relations of the US 1969-1976. VOL. XXVII, Iran, Iraq, 1973–1976, Document 289, Washington, June 4, 1975.
5. Doucey, Marie. (2011). Understanding the Root Causes of Conflicts: Why It Matters for International Crisis Management. *International Affaires Review*. V.XX. N.2, Fall.
6. Foreign Relations of the United States, 1958–1960, Near East Region; Iraq; Iran; Arabian Peninsula, Volume XII. 244. Telegram From the Embassy in Iran to the Department of State in: <https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1958-60v12/d244>.
7. Friedman, Henry. (2014). President Obama Talks to Thomas L. Friedman About Iraq, Putin and Israel(2014), Obama on the World, in: http://www.nytimes.com/2014/08/09/opinion/president-obama-thomas-l-friedman-iraq-and-worldaffairs.html?_r=0.
8. Fuller Graham E. & Henri J. Barkey. (1998). *Turkey's Kurdish Question* Paperback, the Rowman & Littlefield Publishing Group Inc.
9. Ghaemmaghami, Ali. (2013). Turkey, northern Iraq, and Exxon Mobil, *Iran-Balkans News* [in Persian].
10. Gunter, T, Michael. (2011). the Five Stages of American Foreign Policy towards the Kurds, *Insight Turkey* Vol. 13 / No. 2. pp. 93-106.
11. Hafeznia, Mohammad Reza. (2006). The Impact of Kurdish Self-Governing in the North of Iraq on the Neighboring Countries, *Geographical Research Quarterly* (Mashhad), Vol. 21, No. 4, winter [in Persian].
12. <http://dfr.gov.krd/p/p.aspx?p=37>.
13. Johns, Dave. (2006). *The Crimes of Saddam Hussein* By Dave Johns 1999 Al Sadr Killings, <http://www.pbs.org/>.
14. Karimi, Parisa & Gholami, Tahmoures. (2007). U.S and Russian Kurdish politics; Iran's interests and national security. *Geopolitical Quarterly*. Vol. 13. No. 2. pp: 201-174.

15. Kaya.K. Zeynep. (2012). Maps into Nations: Kurdistan, Kurdish Nationalism and International Society, London: International Relations of the London School of Economics.
16. Kazemi, Hojat. (2017). Identity movements, fragile states and the geopolitical crisis of the Middle East. *Geopolitical Quarterly*. Vol: 13, No.1. Spring. pp: 172-146 [in Persian].
17. Kissinger, Henry. (1979). *the White House Years*. London: Weidenfeid and Nicoison.
18. Lewis.P. Robert. (2008). *Prospects for an independent Kurdistan?* Monterey California: Naval Postgraduate School.
19. Malas, Nour and Parkinson, Joe. (2014). *Iraq Crisis: Effort to Aid Kurdish Forces Puts Iran, U.S. on Same Side*, <http://www.wsj.com/Terrill,2006>
20. Mosallanejad, Abbas. (2013). *the Crisis Management in Regional Encounters (Case Study: The Imposed War)*. Winter. Vol.5. No. 1. pp. 49-65 [in Persian].
21. Motaghi, Ebrahim. (2008). *Geopolitics of Balance and Softness; Case Study: Middle East between 2001 and 2009*. *International Geopolitical Quarterly*. Vol.4. No. 1. Spring. pp: 8- 35 [in Persian].
22. President Obama Talks to Thomas L. Friedman About Iraq, Putin and Israel (2014), Obama on the World, in: http://www.nytimes.com/2014/08/09/opinion/president-obama-thomas-l-friedman-iraq-and-world-affairs.html?_r=0.
23. U.S. Department Of Defense. (2009). *Arabs, Kurds Should Take Advantage of U.S. Help*, American Forces Press Service, in: <http://archive.defense.gov/news/newsarticle.aspx?id=55294>.
24. Vaezi, Mahmmoud. (2007). *Mediation in Theory and Practice*, Publishers: Strategic Research Center [in Persian].
25. Voller, Yaniv. (2012). *From Rebrllion to De Facto Statehood: International and Transnational Source of the Transformation of the the Kurdistan National Liberation Movement in Iraq into The Kurdistan Regional Government*, London School of Economics and Political Sciences.
26. Yavuz, uran, (1993). *ABD'nin Kürt Kartı*, Milliyet Yayınları, İstanbul. pp: 28-29.
27. Zahed, Fayaz & Soltanifar, Mohammad. (2009). *the Concepts of International Crisis Management*. *Journal of Media and Crisis Management*. Vol. 2. No.38. pp: 11-44 [in Persian].